

سیاست ها در ماورای شواهد: مورد سوال قرار دادن ارتباط میان ارائه خدمات و مشروعیت دولت در افغانستان

پیام های کلیدی:

- شبکه های دسترسی مبنی بر ارتباطات، تعیین کننده این موضوع اند که چه کسی میتواند خدمات اساسی را دریافت نماید و چگونه این خدمات فراهم گردد.
- دسترسی به خدمات به صورت گسترده توسط داینمیک ها و منافع محلی صورت میگیرد.
- دسترسی غیر عادلانه یا (غیر منصفانه) اکثراً به برداشت از مشروعیت صدمه وارد مینماید.

این مقاله معلوماتی یافته ها و شواهد در مورد ارتباط میان ارائه خدمات و مشروعیت دولت را برجسته میسازد. این مقاله در نتیجه پنج سال تحقیق (۲۰۱۲-۲۰۱۷) واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان درمورد مسئله ارتباطات میان ارائه خدمات و مشروعیت دولت در افغانستان، به دست آمده است. این مطالعه بخشی از یک مطالعه وسیعتر جهانی تحت کنسرسیوم تحقیقاتی معیشت مصنوعی بوده است که توسط انستیتوت بیرون مرزی انکشاف (ODI) رهبری و از جانب اداره انکشاف بین المللی (DFID) و کمیسیون اروپایی تمویل میگردد. علاوه بر این، برای درک بهتر نگرانی های موجود در زمینه برنامه ریزی و پالیسی در راستای ارائه خدمات تحت سیطره حکومت موجود، با حکومت افغانستان و نمایندگان جامعه مدنی مشوره هائی صورت گرفته و ملاقات های دو جانبه غیر رسمی با نمایندگان غیر مشخص جامعه تمویل کننده نیز انجام شده است. این مقاله با مرور بر نوشته ها در رابطه به بحث ها در مورد ارائه خدمات و مشروعیت آغاز میگردد. این مقاله بعداً تجارب افغانستان از ارائه خدمات و برداشت از حکومت را بررسی کرده و با ارائه پیامدهای پالیسی خاتمه پیدا میکند.

ارائه خدمات و مشروعیت: یک الگوی سوال برانگیز؟

خدماتی که در این مقاله تشریح گردیده است به خدمات اساسی مانند صحت، تعلیم، آب و حفظ الصحه و همچنان ارزشهای عامه مانند امنیت و عدالت بر میگردد. در کشورهایی که توسط منازعات متداوم متأثر گردیده اند، تنها حکومت ها فراهم کنندگان چنین خدمات نمی باشند. اکثراً با سازمان های غیر دولتی و نهادهای ملل متحد به منظور پُر کردن خلا های ظرفیت ارائه خدمات دولتی قرار داد صورت میگیرد، بنابر این، در چنین محیط ها، ارتباطات میان ارائه خدمات و برداشت از دولت زیر سوال قرار میگیرد. عدم توانمندی دولت های شکننده به انجام وظایف اساسی، طوریکه غنی و دیگران استدلال کرده اند (۲۰۰۵) یک خلای خطرناک حاکمیت را به وجود میآورد.



دکتر افغان در حال نوشتن نسخه

مقاله معلوماتی ای کنسرسیوم تحقیقاتی معیشت مصنوعی؛ معلومات، تحلیل و پیشنهادات کلیدی در رابطه به پالیسی روی مسائل مربوط به معیشت، خدمات اساسی و محافظت اجتماعی در اوضاع متأثر شده از منازعات را ارائه میکند. این مقاله و سایر مقالات معلوماتی کنسرسیوم تحقیقاتی معیشت مصنوعی از وب سایت ذیل قابل دریافت است: www.securelivelihoods.org این پروژه توسط نهاد امدادی (UK Aid) مربوط حکومت بریتانیا، نهاد امدادی آیرلند (Irish Aid) و کمیسیون اتحادیه اروپا تمویل گردیده است.

نظریاتی که در این مقاله ابراز گردیده منعکس کننده نظریات نویسنده یا نویسندگان میباشند و لزوماً منعکس کننده نظریات واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، پالیسی های حکومت بریتانیا یا نظریات نهاد امدادی آیرلند، اتحادیه اروپا، کنسرسیوم تحقیقاتی معیشت مصنوعی یا شرکای ما نمی باشد.

کنسرسیوم تحقیقاتی معیشت مصنوعی
انستیتوت بیرون مرزی انکشاف
کد نشریه ۱۸۱۱ D
T +44 (0)20 3817 0031
F +44 (0)20 7922 0399
E slrc@odi.org.uk
www.securelivelihoods.org
@SLRCtweet
نویسندگان: اشلی جکسون و اورخلا نعمت

این خلا پیچیده و بغرنج میباشد - عدم ظرفیت منجر به عدم مشروعیت میگردد، و به عدم مشروعیت فقط میشود از طریق ارتقای ظرفیت دولت ها برای ارائه امور عامه و خدمات رسیدگی صورت گیرد (دینی، ای تل، ۲۰۱۷). در دولت های شکننده و متأثر شده از جنگ، به نبود امنیت به مثابه هردو - یعنی یک شاخص و یک علت خطرناک نگرینسته میشود. جامعه بین المللی با روی دست گرفتن یک سلسله اقدامات متنوع دولت سازی به این مشکل پاسخ داده است البته به این باور که بی امنیتی و عدم ظرفیت قابل ترمیم میباشد، حد اقل بطور قسمی، از طریق کارهای انکشافی (روچا مینوکال ۲۰۱۱؛ زووی لیک، ۲۰۰۹). به هرصورت، در عمل نتیجه چنین اقدامات اکثراً باعث سر درگمی بیشتر شده است. (نعمت، ۲۰۱۴).

تیوری های تغییر مبنی بر با ثبات سازی و مقابله با شورشگری، یک روش مشابه استدلال را تعقیب مینماید. به امداد در مناطق ناامن از طریق "بندست آوردن قلب ها و افکار"، به مثابه یک ابزار جهت محافظت از نیروی های نظامی و بهتر نمودن وضعیت عمومی امنیتی، نگرینسته میشود. هردو یعنی چار چوب های مقابله با شورشگری و با ثبات سازی بر برنامه ریزی امدادی نظامی و ملکی در افغانستان سیطره دارند، و این نظریات با استدلال های نوع - خلی حاکمیت در طرح برنامه و اجرای آن با هم ممزوج گردیده اند. توسعه خدمات صحتی و تعلیمی همراه با زیر بنا ها و ایجاد شغل، قبلاً به شکل یک هدف در نظر گرفته میشد. در افغانستان پس از ۲۰۰۱، مانند سایر دولت های شکننده، ارائه خدمات به شکل تفکیک ناپذیر با امنیت و اهداف سیاسی مرتبط بوده است. یک مثال مهم این موضوع در افغانستان فراهم کردن این چنین خدمات توسط تیم های بازسازی ولایتی در ولایات مختلف این کشور که توسط فرماندانان نظامی نیروهای بین المللی رهبری میگردد، میباشد. شواهد از افغانستان، همچنان از هفت کشور دیگر متأثر شده از منازعات که در آنجا کنسرسیوم تحقیقاتی معیشت مصئون تحقیقاتی را انجام داده اند، بطور مستقیم این نظریات را به چالش میکشد. به اساس شواهد کمی و کیفی، کنسرسیوم تحقیقات معیشت مصئون دریافته است که "دسترسی بهتر به خدمات اساسی، محافظت اجتماعی، یا کمک های معیشتی" بطور الزامی منجر به "احساس و ادراک مثبت از حکومت" نمیکردد (نیکسن و مالیت ۲۰۱۷). در حالیکه ارائه خدمات میتواند برداشت از دولت را بهتر سازد، ولی این، پاسخ کامل به مشکل یک خلی حاکمیت نیست.

این چنین یافته ها برای آنانیکه به محیط افغانستان آشنایی دارند نباید تعجب آور باشد. اکثر اقدامات کمک رسانی نتوانسته اند اهداف معینه خود را بدست آورند در عوض مشوقات انحرافی، تشدید منازعات و وارد کردن صدمه به مشروعیت دولت را ایجاد کرده اند. در واقع، یک مطالعه در سال ۲۰۱۱ از Tufts University روی کمک ها به مناطق ناآرام افغانستان دریافته است که «شواهد بی ثبات کننده کمک ها نسبت به تأثیرات باثبات سازی آنها بیشتر بوده است» (فیشستین و ویلدر، ۲۰۱۱). هنوز هم به نظر میرسد که حکومت افغانستان و جامعه بین المللی توان آن را ندارند که از شواهد بیاموزند.

تجارب افغانستان از ارائه خدمات و شناخت از حکومت

در افغانستان، نمونه هایی از اینکه ارائه خدمات (و در واقع اقدامات وسیعتر انکشافی) باید چگونه صورت بگیرد، مشابهت اندکی با آنچه که آنان در واقع باید چگونه انجام می شدند، وجود دارد. معاملات سیاسی و بایستگی و ناگزیری ارائه یک روایت موفق؛ به حسابدهی و توانمندی آموختن و تغییر روند، صدمه وارد کرده است. نهاد های دولتی در همه سطوح شکننده و استوار بر روابط شخصی؛ همراه با موجودیت ارتباط ضعیف با مردم و ظرفیت محدود

ارائه امنیت، حکومتداری یا خدمات اساسی میباشد. در سال های اولی بعد از ۲۰۰۱، دسترسی به تعلیم و مراقبت صحتی بطور قابل ملاحظه توسعه پیدا کرد، ولی بعداً به زودی به رکود و ایست مواجه گردید. روایت های ثبت نام ملیون ها تن از اطفال در مکاتب بعد از سال ۲۰۰۱ و پیشرفت بزرگ در فراهم آوری خدمات صحتی بر این واقعیت سایه افکنده که این دست آوردها طوریکه اصلاً ادعا شده اند بزرگ نیستند و دسترسی به خدمات اکثراً انحصاری میباشد. آنچه را که دست آوردهای پیشین در رابطه به توسعه خدمات اساسی و بهتر سازی معیشت قلمداد میشدند فعلاً بواسطه بی امنیتی ها و یک دولت کرایه ای (Rentier) چپاولگر مورد تهدید و در حالت تضعیف قرار دارند. قابل یادآوری است که خدمات بخشی از راه حل را شکل میدهند، ولی راه حل های کامل نیستند. از سال ۲۰۰۱ بدینسو، دیدگاه روشنی در مورد آینده مودل های ارائه خدمات انکشافی برای افغانستان وجود ندارد. ضرورت به یک دیدگاه تصویر بزرگ است، که باید ابعاد وسیع خدمات را مورد رسیدگی قرار دهد به شمول نگرانی های امنیتی و عدلی که برای افغانها بسیار مهم میباشد و در خلال آنها برنامه هایی چون میثاق شهروندی باید قرار داشته باشد.

سه عامل عمده مانع بهبود ارائه خدمات در افغانستان میگردند:

۱. وابستگی به تمویل کنندگان

اولین عامل، وابستگی به تمویل کنندگان است، جائیکه بسیاری از خدمات ارائه شده مانند صحت و تعلیم بطور دو جانبه از جانب تمویل کنندگان تمویل گردیده است و جزء سیستم بودجوی حکومت نمیشد. طبق یک گزارش بانک جهانی در سال ۲۰۱۶، ۴۵ فیصد تولیدات ناخالص ملی در سال ۲۰۱۳ امور مربوط به رشد، ارائه خدمات و امنیت را تمویل مینمود و اینطور نتیجه گیری شده است که افغانستان به سطح جهان یگانه کشوری است که به گونه فوق العاده وابسته به کمک های خارجی میباشد (بانک جهانی، ۲۰۱۶: ۳). این امر نه تنها به پایداری و تداوم این خدمات صدمه وارد مینماید، بلکه این موضوع بدین معناست که بسیاری از محلات بطور وسیعی وابسته به چنین حمایت ها هستند. استراتیژی های خروجی واقعگرا در سطح برنامه ریزی به گونه جدی مطرح نیست و یک دید گاه وسیع دراز مدت در این رابطه که حکومت افغانستان چگونه میتواند بطور پایدار وظایف خود را انجام دهد، وجود ندارد.

۲. ظرفیت پائین سکتور عامه برای مدیریت ارائه خدمات

گرچه مثال های موفقیت آمیز توانمندی یکعهده نهادها در رسیدگی به مسائل مربوط به ظرفیت وجود دارد که از آنجمله میتوان از وزارت احیا و انکشاف دهات و تا اندازه ای از وزارت زراعت، آبیاری و مالداری نامبرد. ظرفیت پائین در مدیریت، برنامه ریزی، تطبیق و اندازه گیری اهداف قابل دسترسی، همه ساله منتج به مصرف کمتر بودجه سالانه میگردد در حالیکه نیاز جدی به خدمات وجود دارد. مشابه به یافته های کنسرسیوم تحقیقاتی معیشت مصئون در رابطه به ارتقای ظرفیت، در افغانستان شیوه ارتقای ظرفیت ساده و فرمایشی بوده و بیشتر به مثابه یک پروژه تخنیکي نسبت به یک پروژه سیاسی که در آن روابط قدرت بیشتر مطرح است، دیده میشود.

۳. بی ثباتی سیاسی

از زمان تشکیل حکومت وحدت ملی در سال ۲۰۱۴، این کشور از یک سلسله بحران های سیاسی عبور کرده است که این موضوع ارائه خدمات

همانطور که یافته های گسترده ای کنسرسیوم معیشت مصنوعی نشان میدهد، درک چگونگی ارائه خدمات بسیار مهم میباشد.

داینمیک های محلی و شبکه های دسترسی، تعیین کنندگان کلیدی این موضوع اند که کدام خدمات واقعا ارائه گردد و به چه کسی برسد. یک ارزیابی بانک جهانی در سال ۲۰۱۵ از برنامه ملی مراقبت صحتی، بسته اساسی خدمات صحتی، "مداخلات سیاسی" را به مثابه خطر عمده به ارائه خدمات تلقی مینماید (بانک جهانی، ۲۰۱۵). یک مطالعه جداگانه بانک جهانی و واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان در مورد صحت و تعلیم و تربیه نشان میدهد که داینمیک های محلی چگونه دسترسی به خدمات را منحرف میسازد. در وردک، اعضای شورای ولایتی ولسوالی بهسود با اکثریت - هزاره چندین کلینک محلی داشتند، گرچه این کلینک ها مطابق طرز العمل های "رسمی" نبودند. از میان هشت ولسوالی در این ولایت، این یگانه ولسوالی خوب با هم مرتبط، ۴۰ فیصد کلینک های تمام ولایت را به خود اختصاص داده است (ایچاویر، ۲۰۱۶: ۴۲).

برنامه ریزی یکسان و متحدالمال که رویکردهای موجود ارائه خدمات را مشخص میسازد، عمیقاً منجر به دسترسی غیر عادلانه حتی در سطح محلی میگردد، طوریکه این موضوع را کار کنسرسیوم تحقیقاتی معیشت مصنوعی روی تفکیک سازی در سطح قریه که توسط برنامه همستگی ملی صورت گرفته، نشان میدهد (بین، ۲۰۱۶). در بسیاری از اقدامات دولت های شکننده، رویکرد ارائه خدمات بطور فزاینده ای تکنوکراتیک بوده است ولی در مجموع از لحاظ سیاسی ساده لوحانه ثابت گردیده است. این امر منجر به تقویت کاربردهای (Rentier) گردیده و بر تلاش های اصلی نهاد سازی صدمه وارد کرده است.

دسترسی غیر عادلانه یا (غیر منصفانه) اکثراً به برداشت از مشروعیت صدمه وارد مینماید

طوریکه یافته های وسیع کنسرسیوم تحقیقاتی معیشت مصنوعی نشان میدهد، درک این امر که خدمات چگونه ارائه میگردد مهم است. این پنداشت ها که دسترسی به خدمات انحصاری یا غیر عادلانه است، ممکن به ادعای صلاحیت داشتن و مشروعیت دولت صدمه وارد کند (دیکس، و دیگران، ۲۰۱۲). در حال حاضر، بسیاری از افغان ها این حکومت را از نقطه نظر بدبینانه، یک حکومت فاسد و احجاف آمیز میدانند و از نقطه نظر خوشبینانه، یک حکومت غیر پاسخگو و ضعیف در ارائه خدماتش قلمداد مینمایند.

سیستم توزیع منابع و خدمات مبنی بر نیازمندی نیست؛ اکثراً این امر متعلق به قدرت یک قدرتمند محلی یا رهبر منتفذ سیاسی است؛ کسی که میتواند منابع بیشتری را به محله خود جلب نماید. به استثنای یک چند برنامه محدود که همه کشور را تحت پوشش قرار داده است، نگرانی های معتبری روی توزیع غیر عادلانه منابع وجود دارد.

افغانها، مانند سایر مردم، میخواهند که با ایشان آبرومندانه برخورد شود و به ایشان اطمینان معقول داده شود که تعامل آنان با مقامات، منصفانه و عادلانه خواهد بود. مطالعات "ویگند" در ننگرهار دریافته که تعاملات کوچک و روزانه با دولت ادراک و احساس افغان ها را از مشروعیت، بیش از همه شکل می دهد (ویگند، ۲۰۱۷). این کار در بسیاری بخش های کشور مشهود است؛ جاییکه نقش مؤثر ولسوالان و والی ها در حفظ ارتباط مکرر با رهبران محلی در توزیع متوازن منابع در محلات شان کمک کرده است.

بویژه در مناطق نا امن و دور افتاده را متأثر ساخته است. از یکطرف، فقدان ثبات سیاسی به ماهیت مشروعیت حکومت وحدت ملی صدمه وارد کرده، در حالیکه این حکومت خارج از چارچوب قانون اساسی ایجاد گردیده است. از جانب دیگر، این امر روند ارائه خدمات توسط وزارت های مختلف را کند ساخته است؛ در بعضی موارد منظوری تعیینات در سطح وزارت یک سال را در بر گرفته (اداره انکشاف بین المللی ایالات متحده، ۲۰۱۶). برخلاف این واقعیت که حکومت از این بحران ها جان سلامت برد، خواه این بحران ها مربوط به بدتر شدن وضعیت امنیتی یا مربوط به برکنار کردن چهره های مهم سیاسی از مقام هایشان بوده است، چنین بحران ها تأثیرات مستقیم بر شیوه درک افغانها از حکومت داشته و تأثیرات منفی بر توانمندی حکومت بر تأمین عادلانه و به وقت ارائه خدمات از خود بجا گذاشته است.

یافته های کلیدی

شبکه های دسترسی مبنی بر ارتباطات، این امر را تنظیم مینماید که چه کسی میتواند خدمات اساسی را دریافت نماید و چگونه این خدمات فراهم گردد.

خدمات حکومتی بر روی همه باز نیست. افغانستان دارای حکومتی است که از ارتباطات ترکیب گردیده است، نه این که از نهاد ها ساخته شده باشد (نیکسن، ۲۰۰۸). شبکه های دسترسی مبنی بر ارتباطات، قدرت را از طریق توزیع منابع ذریعه نهاد های دولتی، ایجاد و تنظیم مینمایند (جکسن و مینویا، ۲۰۱۶). کار گزاران در داخل نهادهای دولتی منابع را از طریق فراهم آوری خدمات و اشیای اساسی "عامه" به وجود میآورند. خدمات یک منبع است که باید تصرف شود، نه اشیای عامه که آزادانه داده شود. پروسه های رسمی ظاهراً تعقیب میگردد تا این ذهنیت را ایجاد نماید که نهادها کار مینمایند و از توهم اصلاحات حمایت میکنند، ولی فعالانه سد راه بمیان آمدن نهادهای کاری می شوند (جکسن، ۲۰۱۶). مقررات واقعی بسیار زیاد دور از آن مقرراتی استند که در اسناد پالیسی ها نوشته شده اند.

نهاد های حکومتی عادت کرده اند که منافع زورمندان را برآورده سازند، این نهاد ها در راستای منافع آنانیکه دارای قدرت اندک اند و یا در جهت اهداف معینه خودشان، به ندرت عمل مینمایند. مقرری ها به یک پست خدمات ملکی اکثراً نیاز به تأدیة رشوت دارد. مشابها، یک عضوی شورای ولایتی میتواند در بدل پول یک مزاعه را حل و فصل نماید. گزارش اخیر کمیته مستقل مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه علیه فساد اداری در مورد تعلیم و تربیه چگونگی این مسئله را در سیستم تعلیمی دولت ارائه مینماید. بطور مثال، این گزارش دریافته است که در استخدام معلمین «صد فیصد فساد» وجود دارد؛ چندین تن از مسئولین منابع بشری اظهار داشته اند که «تقریباً هر یک در ساحه مسوولیت خود به اساس خویش خوری مقرر گردیده است، بدون در نظر داشت اینکه آیا طرز العمل های رسمی در نظر گرفته شده اند یا خیر» (۲۰۱۷). معلمین اکثراً باید بخاطر بدست آوردن و حفظ وظایف خود پول بپردازند، که این امر منجر به پائین بودن شایستگی معلمین گردیده است. بدون تعجب، گزارش های این کمیته نشان میدهد که ۳۱ فیصد از شاگردان صنف ششم حتی قادر به نوشتن یک لغت ساده نیستند (در همان مرجع).

دسترسی به خدمات به صورت گسترده توسط داینمیک ها و منافع محلی صورت میگيرد

پیامد ها

۱. دوری جستن از مدل های تکنوکراتیک در زمینه شیوه اجرای کار ها

اگر نظریات افغان ها در مورد حکومت از طریق تعاملات آن ها با حکومت شکل بگیرد، پس اصلاحات باید روی شبکه های انحصاری ارتباطات که دسترسی به محافظت، خدمات و وسایل بقا را اداره میکند، تمرکز نماید - نه روی نظریات خوشبینانه خیالی و غیر مُمَد که یک دولت چگونه باید فعالیت نماید.

پیامد ها بلا فاصله به میثاق شهروندی ارتباط میگیرد. میثاق شهروندی به این منظور طرح گردیده است تا ارتباط جدید حسابدهی را ایجاد نماید. میثاق شهروندی این هدف را دنبال مینماید که ارتباط مشخص میان دولت و شهروندان را و همچنان میان رهبری ولسوالی و قریه و موکلین شان را از طریق ایجاد یک میثاق جدید میان دولت و شهروندان، تغییر دهد. برخلاف شبکه های مبنی بر ارتباطات که در تحقیقات کنسرسیوم تحقیقاتی معیشت مصئون بدست آمده و برخلاف قراردادهای جمعی اجتماعی که به گونه تاریخی ماهیت ارتباطات با دولت افغانستان را شکل داده، میثاق شهروندی یک قرار داد کلاسیک اجتماعی میان هر یک از شهروندان و دولت را در نظر گرفته و یک استدلال تخنیکی را برای بهتر ساختن این ارتباط ترسیم مینماید.

غور در مورد سوء استفاده از منابع عامه به نفع طبقه قدرتمند، نیاز به سرمایه گذاری قابل ملاحظه روی تطابق دادن برنامه های ملی با محیط سیاسی محلی دارد. نقطه آغاز باید این باشد که فرضاً منابع تحت تصرف قدرتمندان، در هر سطحی که باشند، قرار خواهد گرفت؛ با روی دست گرفتن این کار باید از لحاظ سیاسی تعهد کرد که انحصار انحرافی به چالش کشانیده شده و تضعیف گردد (پین، ۲۰۱۶).

۲. حرکت به سوی روشهای آگاهانه سیاسی

چالشی که میثاق شهروندی با آن مواجه است، ولی به نظر نمیرسد که مورد ملاحظه قرار گیرد، اینست که یک فرد چگونه میتواند از منطق این شبکه های دسترسی در سطح محلی و ملی به یک شبکه مطلق و کلی بین یک فرد و دولت، جهت خود را تغییر دهد. در اسناد میثاق شهروندی فرضیه واضحی وجود دارد که وزارتخانه ها مانند وزارت احیا و انکشاف دهات، وزارت صحت عامه و معارف در موقفی قرار خواهند داشت که خدمات را مستقیماً به شوراها و انکشاف محلی به اساس تقاضاهایشان ارائه کرده و میتوانند که توسط این شوراها انکشاف محلی در رابطه به ارائه این خدمات مورد محاسبه قرار گیرند (پین، ۲۰۱۶). در واقع، منابعی را که این برنامه ها فراهم مینمایند آن شیوه های عملکرد و روش هایی را تقویت می نمایند که آنان در تلاش تحت غور قراردادن آنها می باشند (پین، و دیگران، ۲۰۱۷).

شانزده سال تجارب ناکام در افغانستان - بویژه در رابطه به "توانمند ساختن دولت" برای ارائه خدمات - به روشنی نشان میدهد که این موضوع به تنهایی نمیتواند پرسش هایی را که در رابطه به مشروعیت مطرح میگردد، پاسخ دهد، و مسائل واقعی در رابطه به اینکه چگونه به خدمات دسترسی حاصل گردد، وجود دارد. یک موضوع عمده که اکثر از نظر دور نگهداشته میشود اینست که ارتقای توانمندی و وظیفوی اکثر تحت نفوذ ارتباطات قدرت، اینکه قدرت چگونه توزیع میگردد و اینکه کی ها در میان نهاد های رسمی و غیر رسمی روی تصمیم گیری و تنظیم رفتارها کنترل دارند، قرار میگیرد (دینی و مالیت بانسن، ۲۰۱۷: ۱۴).

نویسندگان با تلاش های میثاق شهروندی جهت اصلاح و بهبودی ارائه خدمات مخالفت نمیکند؛ در واقع، این یگانه جزء بسیار مهم میثاق شهروندی میباشد. به هرصورت، این امر هم خطرناک و هم غلط میباشد که اگر تصور شود که این مدل منتج به مشروعیت بیشتر برای حکومت افغانستان خواهد گردید (مکلوغلین، ۲۰۱۴؛ گوردون، ۲۰۱۲؛ مسون، ۲۰۱۲؛ کارپنتر، و دیگران، ۲۰۱۲؛ هیروس و دیگران، ۲۰۱۷؛ نیکسون و مالیت، ۲۰۱۷؛ برینکروهوف، و دیگران، ۲۰۱۲؛ روبینستین، ۲۰۰۹). طبق یک سند میثاق شهروندی، این برنامه "دایره آسیب پذیری و خشونت را از طریق ژرف و عمیق ساختن مشروعیت دولت افغانستان، در هم خواهد شکست". این یک هدف واقعینانه نیست زیرا کدام برنامه انکشافی در هیچ جایی وجود ندارد تا این مهم را انجام دهد. جهت رسیدن به این هدف نیاز به پیشرفت های چشمگیر در زمینه امنیت و استقرار قابل اعتبار سیاسی میباشد.

۳. تعیین اهداف واقع بینانه

تیوری های ساده گرایانه تکنوکراتیک در رابطه به تغییر و معیارهای غیر واقعینانه، دولت سازی در افغانستان را مختل نموده است. نیاز به روش های سیاسی شناخته شده مبنی بر تجربه و اولویت، البته با در نظر داشت نیازمندی وضع امنیتی، سیاسی و اقتصادی، میباشد. به نظر نمیرسد که میثاق شهروندی بتواند ارتباط جدید میان دولت و شهروندان را گسترش دهد، مانند برنامه همبستگی ملی که نتوانست به هدف خود یعنی گسترش روابط مردم با حکومت، دست یابد (پین، ۲۰۱۶). و این منشور دایره خشونت را هم درهم نخواهد شکست. با در نظر داشت نیاز مبرم به خدمات اساسی در سراسر کشور، آیا این کافی خواهد بود تا به سادگی روی منابع میثاق شهروندی برای ارائه خدمات نجات بخش و تغییر دهنده حیات، تمرکز کرد و تلاش نمود تا برای بهبودی کیفیت، قابلیت دسترسی و حسابدهی آنان تلاش کرد؟

۴. توجه به واقعیت های بی امنیتی

در ۴۰ فیصد کشور که خارج از اداره حکومت قرار دارد، ارتباط ارائه خدمات با مشروعیت دولت بطور کامل نامحتمل میباشد (دفتر سرمفتش ویژه برای بازسازی افغانستان یا سیگار، ۲۰۱۷). به هرصورت، تلاش به این منظور که افغان ها در هر جاییکه زنده گی میکنند بطور متداوم به این خدمات دسترسی داشته باشند و از دست آورد های که در زمینه های تعلیم و رفاه عامه صورت گرفته حمایت نمایند، در سالهای آینده از اهمیت قابل ملاحظه برخوردار خواهد بود. چگونگی یقینی ساختن ارائه خدمات در این ساحات و نیاز به انطباقات در رویکرد ها در میثاق شهروندی خوب توضیح نگردیده است. در ولایت های مانند هلمند و لوگر، ارتباطات میان حکومت و گروه های مخالف برای تضمین دسترسی به خدمات اساسی، جدایی ناپذیر است؛ در مناطق دیگری، نهاد های حکومتی و غیر حکومتی دلچسپی اندکی به همکاری با یکدیگر دارند، که در نتیجه تأثیرات منفی بر افغان ها به عنوان دریافت کنندگان این خدمات، دارد. بالاخره تطبیق کنندگان میثاق شهروندی نیاز به محل و حمایت دارند تا در مورد دسترسی به خدمات و منابع در مناطقی که بیرون از کنترل دولت هستند بحث و گفتگو نمایند.

شمار زیاد استراتژی ها و معیار های وجود دارند که بعد از تسوید، فراموش شده اند و شمار محدود آنها وارد پروسه های ثبات سازی در کشور گردیده اند. با در نظر داشت عمق بی امنیتی، یک آینده درخشان برای بسیاری از افغان ها غیر ممکن به نظر میرسد. مشروعیت وابسته به یکتعداد عوامل میباشد، ولی یکی از این عوامل که زیاد فراموش شده است عبارت از توانمندی دولت به فراهم ساختن یک دیدگاه دراز مدت و قابل اعتبار به شهر وندانش میباشد.

نتیجه گیری

ارائه خدمات فقط یکی از عوامل شکل دهی برداشت مردم از حکومت بوده و این موضوع بشکل استثنایی زیاد مهم میباشد. قدرت، سیاست ها و ارتباطات بگونه ژرف چگونگی ارائه خدمات در افغانستان را شکل میدهد. هر اقدام باید بر اساس درک عمیق از محیط صورت بگیرد و به آن پاسخگو باشد. برنامه های یکسان حتی در زمینه ارائه خدمات در محدوده خود دست آورد خواهد داشت، ولی گسستگی و عدم انسجام بین اقدامات تخنیکی و روند سیاسی به طور مستمر مانع دسترسی یکسان به خدمات و نهاد سازی موثر، میگردد. در این مرحله توسعه نهادی افغانستان، مشکلات بسیار عمده را نمیتوان صرف از طریق اصلاحات تخنیکی مورد رسیدگی قرار داد (پاسخی که چندین بار ارائه گردیده است). بخاطر آوردن تغییرات به مشوقات و تحریمات مبنی بر سیاست نیاز میباشد. شواهد بسیار زیاد دال بر این مطلب در دست میباشد، ولی با آنهم این واقعیت ها ندرتا بطور کافی در راستای ارائه خدمات و ارتقای ظرفیت در افغانستان در نظر گرفته شده است. سوال اینجاست که چه زمانی حکومت افغانستان و جامعه جهانی بر اساس این شواهد اقدام خواهند نمود.

مرحله دوم کنسرسیوم تحقیقاتی معیشت مصنوعی: تحقیق جدید موضوعی

در مرحله دوم کنسرسیوم تحقیقاتی معیشت مصنوعی (۲۰۱۷-۲۰۱۹) ما پژوهش خود را در مورد نقشی که خدمات در تشکیل مشروعیت دولت بازی میکند ادامه خواهیم داد. مطالعات موردی مرحله اول کنسرسیوم تحقیقاتی معیشت مصنوعی، روشن ساخت که اهمیت ارائه خدمات در ساختن مشروعیت چگونه وابسته به تاریخ بنیانگذاری دولت میباشد. به هرصورت، این موضوع غیر روشن باقی میماند که چرا خدمات برای مشروعیت در یکده دولت ها اهمیت پیدا میکند و برای برخی دولت ها نه، و اینکه چرا سایر منابع مشروعیت اهمیت خود را از دست میدهند. گسترده تر از این، ما هنوز هم سطح اهمیت خدمات در ساختن مشروعیت دولت در کشور های متأثر شده از منازعات، را نمیدانیم. برای اینکه به تمویل کنندگان و پالیسی سازان تصویر روشن ارتباط میان ارائه خدمات و ساختن مشروعیت دولت را فراهم سازیم، ما مطالعات موردی را در سریلانکا، پاکستان و نیپال برآه خواهیم انداخت.

مراجع

- بیت، ای، اف. کریسشیا و ار. اینکولوپای (۲۰۱۱) بدست آوردن قلب ها و افکار؟ شاهدهی از یک تجربه ساحوی در افغانستان. مقاله تحقیقی دیپارتمنت علوم سیاسی ام آی تی، شماره. ۲۰۱۱-۱۴.
- برینکوهف، دی.، ای. ویتر بیرگ و اس. دین (۲۰۱۲) "ارایه خدمات و مشروعیت در دولت های شکننده و متأثر شده از منازعه." بازنگری مدیریت عامه، ۱۴ (۲)، پی پی. ۲۹۳-۲۷۳.
- کارپنتر، اس.، آر سلتر و آر. مالیت (۲۰۱۲) محافظت اجتماعی و خدمات اساسی در اوضاع شکننده و متأثر شده از منازعات. مقاله کاری ۸. لندن: کنسرسیوم تحقیقات معیشت مصنوعی.
- دینی، ال. و مالیت، آر. با بینسن، ام. اس. (۲۰۱۷) "ارایه خدمات و ظرفیت دولت: یافته های کنسرسیوم تحقیقاتی معیشت مصنوعی. لندن: کنسرسیوم تحقیقاتی معیشت مصنوعی. دیکس، اس.، کی. هسمن و جی. والتن (۲۰۱۲) خطرات فساد به مشروعیت و ثبات دولت در اوضاع شکننده. یو ۴ مرکز منبع ضد فساد/ تیری.
- ایچاوز، سی. (۲۰۱۶) سیاست اقتصادی ای ارایه خدمات تعلیمی و صحتی در افغانستان. کابل: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان.
- فیشستن، پی. و ای. ویلدر (۲۰۱۱) بدست آوردن قلب ها و افکار؟ بررسی ارتباط میان امداد و امنیت در افغانستان. میدفورد، ام آی: پوهنتون تفت.
- غنی، ای.، سی. لاک هرت و ام. کرنهن (۲۰۰۵) بستن خلای حاکمیت: یک رویکرد دولت سازی. مقاله کاری ۲۵۳. لندن: انستیتیوت بیرون مرزی انکشاف. گوردن، اس. (۲۰۱۲) "صحت، منازعه، ثبات و دولت سازی: یک خانه بر ریگ ساخته شده است؟ جورتال مداخله و دولت سازی. ۲۰۱۲، ۷(۱)، صفحات ۲۹-۴۴.
- کمپته مستقل مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه علیه فساد اداری (۲۰۱۷). بررسی ای آسیب پذیری سراسر وزارت معارف. کابل: کمپته مستقل مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه علیه فساد اداری
- جکسن، ای. (۲۰۱۶) مانند یک دولت شبکه ای بنظر میرسد: حکومتداری محلی در افغانستان. لندن: کنسرسیوم تحقیقاتی معیشت مصنوعی
- جکسن، ای. و جی. مینویا (۲۰۱۶) مقررات بازی: بصبوب یک تیوری ای شبکه های دسترسی. لندن: کنسرسیوم تحقیقاتی معیشت مصنوعی.
- لیک، دی. (۲۰۰۸) "ساختن دولت های مشروع بعد از جنگ های داخلی." در تقویت صلح در دولت های بعد از جنگ های داخلی: انتقال اخلاکگران به سهم گیرنده گان. شیکاگو: مطبوعات پوهنتون شیکاگو.
- مکلوغلین، سی. (۲۰۱۵) "چه زمانی، ارایه خدمات مشروعیت یک دولت شکننده و متأثر شده از منازعات را بهتر ساخته میتواند؟ حکومتداری، ۲۸(۳)، صفحات ۳۴۱-۳۵۶.
- مسون، ان. (۲۰۱۲) ارتباطات میان ارایه خدمات آب، تدارکات، بهداشت و حفظ الصحة و ایجاد صلح و دولت سازی: یک بازنگری ادبیات. لندن: انستیتیوت بیرون مرزی انکشاف.
- نعمت، او. ای. (۲۰۱۴) "حکومتداری محلی در عصر مداخله گرای آزاد: روابط حکومتداری در افغانستان بعد از ۲۰۰۱. تیزیس پی ایچ دی در کتابخانه اس او ای اس قابل دریافت است.
- نیکسن، ایچ. (۲۰۰۸) دولت سازی محلی در افغانستان. مقاله ترکیبی. کابل: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان.
- نیکسن، ایچ. و آر. مالیت (۲۰۱۷) ارایه خدمات، ادراک عامه و مشروعیت دولت: یافته ها از کنسرسیوم تحقیقاتی معیشت مصنوعی. لندن: انستیتیوت بیرون مرزی انکشاف.
- پین، ای. (۲۰۱۶) استفاده از تحلیل محیط قریه در افغانستان: روش ها و پیامد های گسترده. لندن: کنسرسیوم تحقیقاتی معیشت مصنوعی.
- پین، ای، ای. جکسن، دی. هوت و جی. مینویا (۲۰۱۷) افغانستان در حال انتقال؟ تلاش برای همخوانی میان راه حل های تخنیکی و پروسه های سیاسی: درس ها از ساحه. لندن: کنسرسیوم تحقیقاتی معیشت مصنوعی.
- روبینستین، ال. (۲۰۰۹) باز سازی ای صحت بعد از منازعه: بنیاد های جدید برای پالیسی ای ایالات متحده. واشنگتن، دی سی: انستیتیوت صلح ایالات متحده. سیگار (۲۰۱۷) گزارش ربعار به کانگریس ایالات متحده. ۳۰ اکتوبر.
- بانک جهانی (۲۰۱۵) "گزارش تکمیل تطبیق و نتایج بر کمک بلاعوض جی اس دی اف شماره. تی اف ۰۹۵۹۱۹ به مبلغ ۱۷،۶۵ میلیون دالر به جمهوری اسلامی افغانستان برای حمایت از پروژه بسته خدمات صحتی" ۲۵ سپتمبر. واشنگتن، دی سی: بانک جهانی.
- اداره انکشاف بین المللی ایالات متحده (۲۰۱۶) "تحلیل سیاسی - اقتصادی ای ظرفیت ارایه خدمات افغانستان" که برای بازنگری توسط اداره انکشاف بین المللی ایالات متحده آماده گردیده و توسط کمپنی دیموکراسی بین المللی تهیه شده است.
- ویگن، اف. (۲۰۱۷) طالبان افغانستان - جهاد گرایان قانونی یا افراط گرایان اجباری؟" جورتال کمک و دولت سازی. ۱۱(۳) صفحات ۳۵۹-۳۸۱.
- بانک جهانی، (۲۰۱۶) "افغانستان: باز شناختی سیستماتیک کشور" گزارش بانک جهانی

<http://documents.worldbank.org/curated/en/3291134190724981/pdf/10441SCDP052891>

SecM.0055.2016IDA.SecM.2016

00041IFC.SecM.0049.2016MIGA.SecM.2016

در باره واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان یک نهاد مستقل تحقیقاتی مستقر در کابل می باشد که در سال ۲۰۰۲ با همکاری جامعه بین المللی در افغانستان تاسیس گردید. هدف این نهاد تحقیقاتی انجام و عرضه تحقیقات با کیفیت عالی، مبنی بر شواهد، مرتبط با پالیسی و انتشار نتایج حاصله آنها و همچنان ترویج فرهنگ پژوهش و مطالعه می باشد. طبق گزارش دانشگاه پنسیلوانیا، واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان منحصی یک نهاد پژوهشی دارای جایگاه عالی در افغانستان بوده و در بین نهاد های پژوهشی در آسیای میانه در رده پنجم قرار دارد. این نهاد با پالیسی سازان، جامعه مدنی، محققان و محصلین به منظور تحقق اهداف خویش ارتباط برقرار می نماید تا استفاده از نشرات مبنی بر شواهد و کتابخانه این واحد ترویج یافته، ظرفیت تحقیقی آنها تقویت شود و فرصت ها برای بازتاب اندیشه ها، مناظره ها و تحلیل ها ایجاد گردد. واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان توسط هیأت مدیره اداره می شود که متشکل از نمایندگان ادارات تمویل کننده، سفارتخانه ها، سازمان ملل متحد و دیگر سازمان های چندجانبه، جامعه مدنی و کارشناسان مستقل می باشد.

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان برنده جایزه بهترین نهاد تحقیقاتی بین المللی سال ۲۰۱۸ مجله پراسپکت بریتانیا (Prospect Magazine) گردیده است.



تمویل کننده اساسی:

نهاد انکشافی بین المللی سوئدن (Swedish International Development Cooperation Agency (SIDA)

تمویل کنندگان برنامه ها:

پروژه های مشخص واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان در سال ۲۰۱۸ توسط نهاد های بین المللی ذیل تمویل گردیده است:

European Union (EU), Global Challenges Research Fund (GCRF), United States Institute of Peace (USIP), Norwegian Institute of International Affairs (NUPI), Food and Agriculture Organization of the United Nations (FAO), Overseas Development Institute (ODI-UK), Institute of Development Studies (IDS) and Swiss Agency for Development and Cooperation (SDC), and British Council (BC).

همچنان این اداره عضویت شبکه های جهانی ذیل را دارا میباشد:

Resolve Network, Secure Livelihoods Research Consortium (SLRC), Global Challenges research Fund (GCRF), A Conflict Sensitive Unpacking of The EU Comprehensive Approach to Conflict, Crisis Mechanism (EUNPACK), ADB-Asian Think Tank Network (ATTN) and The Central Asian Think Tank Network (CTTN).

©۱۳۹۷ واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان ۲۰۱۶ SLRC -

این نشریه میتواند فقط برای اهداف غیر تجارتي و در صورت یادآوری نویسنده و منبع نقل قول، استناد و یا تکثیر گردد. تمام حقوق ناشر محفوظ است. هرگاه این نشریه چاپ مجدد، ذخیره و یا بصورت برقی به دسترس گذاشته میشود، باید خط ارتباطی به سایت انترنتی www.areu.org.af (AREU) در آن چاپ و یا روی صفحه انترنتی گذاشته شود. برای هر گونه استفاده که در فوق مشخص نگردیده است، باید اجازه قبلی بصورت تحریری از شرکت ناشر، واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان با ارسال ایمیل به آدرس areu@areu.org.af یا با تماس گرفتن با ۱۵ ۳۴ ۲۲۱ ۲۰ (۰) ۹۳+ اخذ گردد.